

توصیه دکتر ظریف به ایران و همسایگان



سرویس سیاسی – واقع گرایان کلاسیکی چون «هانس مورگنتا» و «کنت والتز»، ابعاد مادی و غیر مادی قدرت، از جمله دیپلماسی، روحیه ملی و کیفیت حکمرانی رایه رسمیت می‌شناسختند. در بستر پساجنگ سرد، این عناصر دگرگون شدند. اگر چه توانمندی‌های نظامی و اقتصادی همچنان مهم هستند، عوامل ناملموسی نظیر قدرت ایده‌ها، نفوذ رسانه‌ها و اجماع‌سازی، برجستگی روزافزونی یافته‌اند.

وزیر خارجه پیشین ایران در مقاله‌ای به مسائل جهان چندقطبی و روابط ایران و همسایگان خود پرداخت. «محمد جواد ظریف» وزیر امور خارجه پیشین جمهوری اسلامی ایران در مقاله‌ای با عنوان «نظم پساقطبی» در مجله تخصصی مجمع گفت‌وگوی تهران نوشت: دوران پس از جنگ سرد نوید تحول بنیادینی در واقعیت‌های جهانی رایه همراه داشت. تحلیل‌هایی از این دوره، نظیر «ابر خورد تمدن‌ها»، نوشته «ساموئل هانتینگتون» (۱۹۹۶) و «پایان تاریخ» اثر «فرانسیس فوکویاما» (۱۹۹۲)، بازتاب تفسیرهای نظری متفاوتی از تحولات آن‌دوران هستند. هانتینگتون بر هویت فرهنگی به‌عنوان محور اصلی منازعات آینده تأکید داشت، در حالی که فوکویاما از پیروزی لیبرال دموکراسی سخن می‌گفت. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی موجب شکل‌گیری تصویری از «الحظه تک‌قطبی» شد؛ دوره‌ای که ایالات متحده به عنوان تنها ابر قدرت جهان ظهور کرد. اما این تک‌قطبی بودن، خیالی بیش نبود. پویایی قدرت به تدریج سیال شد و با ظهور بازیگران غیر دولتی، نوآوری‌های فناوریانه و درهم‌تنیدگی اقتصادی، مدل‌های سنتی دولت‌محور روابط بین‌المللی پیچیده‌تر شدند.

واقع گرایان کلاسیکی چون «هانس مورگنتا» و «کنت والتز»، ابعاد مادی و غیر مادی قدرت، از جمله دیپلماسی، روحیه ملی و کیفیت حکمرانی رایه رسمیت می‌شناسختند. در بستر پساجنگ سرد، این عناصر دگرگون شدند. اگر چه توانمندی‌های نظامی و اقتصادی همچنان مهم هستند، عوامل ناملموسی نظیر قدرت ایده‌ها، نفوذ رسانه‌ها و اجماع‌سازی برجستگی روزافزونی یافته‌اند.

ظهور شرکت‌های فراملی، سازمان‌های غیر دولتی و پلنفرم‌های دیجیتال، انحصار سنتی دولت‌ها بر قدرت را تضعیف کرده‌است. شرکت‌های فناوری مانند گوگل و متا اکنون تأثیری هم‌سنگ با دولت‌ها دارند و نوآوری‌هایی مانند رمز ارزها نظام‌های مالی سنتی را به چالش کشیده‌اند.

نقش فزاینده بازیگران غیردولتی

مدل وستفالیایی دولت-حکمت‌های مستقل که از سال ۱۶۴۸ حاکم بوده، به شدت تحت فشار قرار دارد. جهانی شدن مرز میان سیاست داخلی و خارجی را محو کرده‌است؛ مسائلی چون تغییرات اقلیمی و امنیت سایبری، مرزهای ملی را درمی‌نوردند. مفهوم «جهان پساقطبی» توسط «جیمز روزنو»، گویای کاهش کنترل دولت‌ها بر جریان‌های فرامرزی انسان، سرمایه و اطلاعات است. شرکت‌های نظامی خصوصی (نظیر گروه واکتر) و افرادی مانند «ادوارد اسنودن» نشان‌دهنده نقش فزاینده بازیگران غیردولتی در حوزه امنیت هستند. این بازیگران، که اغلب خارج از کنترل مستقیم دولت‌ها عمل می‌کنند، سلسله مراتب سنتی قدرت و حکمرانی آلمینی را پیچیده کرده‌اند. نظم جهانی قرن بیست و یکم قابل طبقه‌بندی ساده نیست. گرچه ایالات متحده همچنان از برتری نظامی برخوردار است، صعود اقتصادی چین و نفوذ هنجاری اتحادیه وپا، هر گونه ادعای تک‌قطبی ماندگار را بی اعتبار کرده‌اند. مدل لایه‌ای قدرت «ایان برمر» که حوزه‌های نظامی (تحت سلطه آمریکا)، اقتصادی (وابستگی متقابل آمریکا و چین) و فناوریانه (هدایت شده توسط شرکت‌ها) را تفکیک می‌کند، پیچیدگی فزاینده نظام بین‌الملل رایه خوبی نشان می‌دهد.

قدرت‌های منطقه‌ای چون هند و برزیل، و نهادهای جمعی مانند اوپک پلاس، اقتدار متمرکز را بیش از پیش پراکنده کرده‌اند. ائتلاف‌های کنونی عمدتاً مسئله‌محور و سیال هستند؛ چنان‌که خبر یادهمزمان جنگنده‌های F-۳۵ آمریکا سامانه‌های موسکی S-۴۰۰ روسیه توسط ترکیه نمو‌نای این روند است. جهان از زمان فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد، دستخوش تحولات عظیمی شده است. دوره گذار، تحولات انباشته شده، بازگشت به نظم قطبی – چه تک‌قطبی، چه دو قطبی یا چند قطبی – را در آینده قابل پیش‌بینی غیر ممکن ساخته‌اند. گرچه ایالات متحده تا آینده‌ای قابل پیش‌بینی، همچنان قدرتمندترین نیروی بین‌المللی باقی خواهد ماند و گرچه مجموع منابع قدرت آن از هر رقیب دیگری بیشتر است، آشکار شده که این کشور – با هزینه‌های سنگین برای مالیات‌دهندگان خود و جامعه جهانی – نتوانسته سلطه‌ای هم‌زمانیک ایجاد کند و هیچ قدرت دیگری نیز قادر به این کار نخواهد بود.

چالش عمده جهان چندقطبی

افزون بر این، اگرچه مجموع قدرت اقتصادی ایالات متحده، چین و اتحادیه اروپا احتمالاً بیش از نیمی از اقتصاد جهانی را شامل می‌شود، ظهور جهان چندقطبی با دو چالش عمده مواجه است: نخست، از سوی دولت‌ها، دوم، از سوی بازیگران غیردولتی. تجربه نشان داده‌است که دولت‌ها دیگر حاضر به وفاداری کامل به یک قدرت یا بلوک نیستند و بیشتر تمایل به شرکت در ائتلاف‌های موضوع محور با قطب‌های ظاهر متضاد دارند. الگوی تعاملات بیشتر به شبکه‌هایی می‌ماند که گرهمای آن الزامات مشابه از نظر اندازه نیستند و از انحصار به پویند یک پیک خاص سر باز می‌زنند. چالش دوم حتی بنیادی‌تر است و ماهیت دولت‌محور جامعه جهانی رایه پر سرش می‌گیرد. ظهور لایه‌ای جدید از بازیگران با اهمیت و بر جهانیه که خارج از کنترل دولت‌ها فعالیت می‌کنند، را نمی‌توان نادیده گرفت. از این رو، ممکن است نظام بین‌الملل پسواستقلاایی، ویژگی محوری بین‌المللی بودن خود – یعنی انحصار دولت‌ها بر قدرت – را از دست داده باشد. آخرین عرصه انحصار دولت‌ها، استفاده سازمان یافته از خشونت در قالب جنگ‌های بین‌المللی بود. اما بازیگران غیردولتی اکنون فراتر از عوامل شناخته‌شده سنتی (نظیر شرکت‌های فراملی، گروه‌های تروریستی سازمان‌های جایگزینار، نهادهای مذهبی و ایدئولوژیک فراملی) عمل می‌کنند و شامل شرکت‌های خصوصی نظامی – امنیتی، متخصصان فردی و شرکت‌های کوچک در حوزه هوش مصنوعی می‌شوند که در جنگ‌های سایبری مانند کشتار جمعی عمل می‌کنند و می‌توانند به تسلیحات هوشمند مرگبارتری مجهز شوند.

دولت‌ها، به ویژه قدرت‌های بزرگ و در رأس آن‌ها ایالات متحده تلاش دارند تا پیشگامان این قلمرو ناشناخته را تحت کنترل حاکمیتی خود درآورند، هر چند نه به خاطر بشریت یا صلح جهانی. بااین حال، ماهیت این پدیده از کنترل کامل حاکمیتی می‌گریزد و بدین‌سان، لایه‌ای جدید از بازیگران جهانی با توانمندی‌های تخریبی فراتر از بسیاری از دولت‌ها پدید آمده‌اند.

مجموع این عوامل ممکن است وضعیت جدیدی در سطح جهانی رقم بزنند که در آن، ظهور نظامی جدید بر پایه قطب‌های سنتی از خاکستر جنگ سرد و تحولات دوره گذار، دستکم در آینده قابل پیش‌بینی، غیر متحمل باشد. کسانی که بنظم مبتنی بر موازنه قدرت پسواستقلاایی یا نظام‌های قطبی خوگرفتند، ممکن است جهان آینده را آشفته بنامند اما این الزامات چنین نیست. نظامی جهانی مبتنی بر اسیاقطب شاید در حالی شکل گرفته باشد که جهان همچنان در انتظار ظهور قطب‌های جدید مانده است.

انتظارات درمورد چالش‌های جدید بین‌المللی

این تحولات بی‌سابقه جهانی، پیامدهایی ژرف برای منطقه غرب آسیا دارند؛ جایی که هم‌دولت‌ها و هم‌بازیگران غیردولتی، هم‌زمان در شکل‌گیری نظم پساقطبی نقش آفرین بوده‌اند و از سوی دیگر، بیشترین آسیب‌پذیری را در برابر این تحولات بنزیادین دارند. ایران و همسایگانش در غرب آسیا، بهتر است مدل‌های منسوخ تعاملات مبتنی بر منطق جنگ سرد را کنار بگذارد و ائتلاف‌های جدیدی مبتنی بر مسائل مشترک برای تأمین رفاه جمعی منطقه و مردم آن شکل دهند. میانجی‌گری چین میان ایران و عربستان سعودی را می‌توان هم به‌عنوان نشانه‌ای از الگوی در حال ظهور پساقطبی و وفاداری‌های سیال و هم به‌عنوان الگویی برای همکاری آینده میان ایران و جهان عرب تلقی کرد. گذار پس از جنگ سرد، به‌نظمی پساقطبی انجاده که مشخصه ساختارهای غیرمتمرکز قدرت، ائتلاف‌های سیال و اهمیت فزاینده بازیگران غیردولتی است، مفاهیم سنتی‌ای چون هم‌مویی و دو قطبی بودن دیگر قادر به توضیح دینامیک‌های در حال تحول سیاست جهانی نیستند. قدرت اکنون در لایه‌ها میان بازیگران متعددی پراکنده‌است و تصور «نظم جهانی واحد» را بی اعتبار کرده‌است.

سیاسی

جزئیاتی از جلسه مجمع برای تصویب پالرمو؛

۲۷ رأی موافق در برابر ۱۰ رأی مخالف؛ CFT احتمالاً رأی نمی‌آورد!



تلاش «مسعود پزشکیان» و دولتش می‌خوانند و گفته می‌شود که رئیس‌جمهور ریاضیات خاطر ولب‌خندان جلسه مجمع تشخیص را ترک کرده است. اما طبیعتاً نباید از نقش جدی رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در مدیریت و پیشبرد این موضوع چشم‌پوشی کرد.

گفته می‌شود که پیشتر مصوب کردن چنین موضوعاتی در مجمع تشخیص مصلحت نظام نیاز به رأی چهار پنجم اعضا داشته‌است که با این‌بار نی‌ها و تدابیر اندیشیده شده و موافقت مقامات عالی‌رتبه در نهایت رأی سه پنجم اعضا با رعایت ملاحظات برای تصویب این موضوع در نظر گرفته شده‌است.

رغبتی برای پذیرش CFT وجود ندارد

لازم به یادآوری است لوائح «الحاق مشروط ایران به کنوانسیون پالرمو» و رسیدگی به موضوع پوسترن به کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم «CFT» در مجلس دهم تصویب شده‌اند و قرار است از جلسات آتی مجمع تشخیص مصلحت نظام موضوع رسیدگی به موضوع پوسترن به کنوانسیون پالرمو داده‌اند. تروریسم «CFT» در دستور کار قرار بگیرد. هرچند برخلاف پالرمو رغبت زیادی در بین اعضای مجمع برای پوسترن ایران به این کنوانسیون وجود ندارد.

زنگنه نماینده مجلس مطرح کرد؛

جزئیات مصوبه جدید تعطیلی پنجشنبه‌ها و کاهش ساعت کاری

پنجشنبه‌ها را تعطیل کرده‌است و ساعات کار را از ساعت ۶ صبح‌شانور کرده‌است و از آن طرف پنجشنبه را تعطیل کرده‌است. الان دولت این اجازه را دارد بعداً بایم بایم قانون بنویسیم که دولت مجاز است؟ این اصل قانون‌گذاری نیست. این نماینده مجلس گفت: در سیاست‌های قانون‌گذاری که مقام معظم رهبری ابلاغ کردند، تأکید شده‌است که باید قانون صراحت داشته باشد و اثرگذار باشد. نوشتن قانونی خشی امکان‌پذیر نیست. لذا افراد مجاز هستند که شب کار کنند یا روز در حال حاضر هم وضعیت به همین شکل است و اصلاتی از به قانون جدید نیست. بنابراین، من باین اصلاحیه مخالفتم، زیرا اگر ما دولت را مجاز کنیم که این قانون تأثیری ندارد، اگر اجازه دهیم که روزهای پنجشنبه و جمعه تعطیل شوند، اما از آن طرف کارگر و قانون کار هم شرایط خاص خودش را داشته باشد، این هم باعث به‌هم‌ریختگی در کشور می‌شود. به‌عنوان مثال، تعطیلی‌ها و ساعت کاری و شروع مدارس را در نظر بگیریم؛ این مسائل مشکلات زیادی برای خانواده‌ها ایجاد کرده‌است. حال، باید ببینیم آیا مجموعه‌های تأیید کننده بالاخره این تغییرات را تأیید می‌کنند یا خیر.

زنگنه درباره کاهش ساعات کاری در طول هفته و اینکه آیا بخش خصوصی از این قانون تبعیت می‌کند، گفت: بعید می‌دانم که این را بپذیرند چرا که وضعیت بنگاه‌های ما وضعیت خوبی نیست و وقتی ساعت کاری را کم می‌کنید، دو ضرر به کارآفرین وارد می‌شود. اول اینکه دو ساعت از کار کم می‌شود که یک ضرر است. دوم اینکه میزان حواله حجم ساعات اضافه کاری به درصدی از قیمت هر ساعت کار معمولی وابسته است. وقتی تعداد ساعات کم می‌شود، حقوق کاهش پیدا نمی‌کند، چرا که از لحاظ اجتماعی نمی‌توان حقوق مردم را کم کرد بنابراین هزینه یک ساعت کار افزایش می‌یابد و بالطبع اضافه‌کار هم که ضریبی از آن است، افزایش می‌یابد. لذا بخش خصوصی واقعا با هزینه‌های بیشتری روبرو می‌شود. این بخش دفعه قبلی به دلیل مغایرت با سیاست‌های حمایت‌از تولید، ارجاع می‌دهند. باید توجه داشت که قانون‌گذاری باید به گونه‌ای باشد که دولت ملزم به رعایت آن باشد، به نظر من الان دولت این اجازه را دارد و الان هم دولت

شوند. لذا این مصوبه ربطی به حوزه کارگری ندارد. این نماینده مجلس در پاسخ به این سؤال که در تبصره ۴ اصلاحیه آمده‌است در تمامی قوانین و مقرراتی که از مبنای ۴۴ ساعت کار در هفته و ۱۷۶ ساعت کار در چهار هفته متوالی استفاده شده‌است؛ از جمله قانون کار مصوب ۱۳۶۹/۰۷/۲۹، آیا این بخش از اصلاحیه شامل بخش‌هایی که از قانون کار استفاده می‌کنند نمی‌شود، گفت: این بخش ساعات کار یک ساعت و نیم کاهش داده‌است. یعنی از ۴۴ ساعت در هفته به ۴۲ ساعت و نیم در هفته کاهش داده‌است. این در مورد همه بخش‌ها است و تأکید هم دارد بخش‌هایی هم که تحت قانون کار هستند از شامل این مصوبه می‌شوند اما نکته‌ای که وجود دارد این است که قانون در خصوص تعطیلی دوروز پنجشنبه و جمعه در مورد بخش خصوصی ورودی نداشته‌است. فقط کاهش ساعت کاری را به آنها تعمیم داده‌است. زنگنه تصریح کرد: به‌طور کلی در اصلاحیه این مصوبه سه تغییر عمده وجود دارد، اول، افزایش ساعت کاری به ۴۲ ساعت و ۳۰ دقیقه؛ دوم، بخش مربوط به تعطیلی روز پنجشنبه است که در تبصره ۴ مصوبه به آن اشاره شده و محدود به بخش دولتی و بخش‌های مشمول قانون خدمات دولتی است، سوم بین اصلاحیه نیز درباره این است که موضوع تعطیلی پنجشنبه در بخش‌های دولتی را هم الزام نکرده‌اند و صراحتاً دولت اجازه و اختیار داده‌شده‌است یعنی دولت می‌تواند بگوید همین حالتی را که الان وجود دارد ادامه می‌دهد و این ۴۲ و نیم ساعت را در دوروز پنجشنبه هم استفاده خواهد کرد یا به‌طور کامل پنجشنبه تعطیل است و این ۴۲ و نیم ساعت در ۵ روز هفته تقسیم می‌شود، این بخش در اختیار دولت است. وی با بیان اینکه من در خصوص این اصلاحیه رأی مخالف دادم، گفت: به‌عنوان کسی که در هیئت عالی نظارت بوده‌ام و نظر آن‌ها را شنیده‌ام، متوجه شدم که برخی از دلایل رفع شده، اما هنوز نکاتی وجود دارد که فکر می‌کنم هیئت عالی آن را مغایر با سیاست‌ها تشخیص دهد و اگر مجلس اصرار کند آن را به مجمع ارجاع می‌دهند. باید توجه داشت که قانون‌گذاری باید به گونه‌ای باشد که دولت ملزم به رعایت آن باشد، به نظر من الان دولت این اجازه را دارد و الان هم دولت



سرویس سیاسی – یک نماینده مجلس درباره مصوبه کاهش یک ساعت و نیم از ساعت کاری در طول هفته و تصویب تعطیلی پنجشنبه‌ها در بخش دولتی توضیحاتی ارائه کرد. محسن زنگنه نماینده مردم ترمذ حیدر به در مجلس شورای اسلامی درباره اصلاح مجدد ساعت کاری کارکنان و تصویب تعطیلی پنج‌شنبه‌ها در پاسخ به این سؤال که با توجه به اینکه در این مصوبه به قانون کار هم اشاره شده‌است آیا این مصوبه شامل بخش خصوصی هم می‌شود، گفت: در مصوبه‌ای که قبلاً مجلس داشت قید شده‌است که از شبانه‌به‌صبح پنجشنبه تعطیلی باشد و وفاداری کامل به یک قدرت یا بلوک نیستند و بیشتر تمایل به شرکت در ائتلاف‌های موضوع محور با قطب‌های ظاهر متضاد دارند. الگوی تعاملات بیشتر به شبکه‌هایی می‌ماند که گرهمای آن الزامات مشابه از نظر اندازه نیستند و از انحصار به پویند یک پیک خاص سر باز می‌زنند. چالش دوم حتی بنیادی‌تر است و ماهیت دولت‌محور جامعه جهانی رایه پر سرش می‌گیرد. ظهور لایه‌ای جدید از بازیگران با اهمیت و بر جهانیه که خارج از کنترل دولت‌ها فعالیت می‌کنند، را نمی‌توان نادیده گرفت. از این رو، ممکن است نظام بین‌الملل پسواستقلاایی، ویژگی محوری بین‌المللی بودن خود – یعنی انحصار دولت‌ها بر قدرت – را از دست داده باشد. آخرین عرصه انحصار دولت‌ها، استفاده سازمان یافته از خشونت در قالب جنگ‌های بین‌المللی بود. اما بازیگران غیردولتی اکنون فراتر از عوامل شناخته‌شده سنتی (نظیر شرکت‌های فراملی، گروه‌های تروریستی سازمان‌های جایگزینار، نهادهای مذهبی و ایدئولوژیک فراملی) عمل می‌کنند و شامل شرکت‌های خصوصی نظامی – امنیتی، متخصصان فردی و شرکت‌های کوچک در حوزه هوش مصنوعی می‌شوند که در جنگ‌های سایبری مانند کشتار جمعی عمل می‌کنند و می‌توانند به تسلیحات هوشمند مرگبارتری مجهز شوند.

دولت‌ها، به ویژه قدرت‌های بزرگ و در رأس آن‌ها ایالات متحده تلاش دارند تا پیشگامان این قلمرو ناشناخته را تحت کنترل حاکمیتی خود درآورند، هر چند نه به خاطر بشریت یا صلح جهانی. بااین حال، ماهیت این پدیده از کنترل کامل حاکمیتی می‌گریزد و بدین‌سان، لایه‌ای جدید از بازیگران جهانی با توانمندی‌های تخریبی فراتر از بسیاری از دولت‌ها پدید آمده‌اند. مجموع این عوامل ممکن است وضعیت جدیدی در سطح جهانی رقم بزنند که در آن، ظهور نظامی جدید بر پایه قطب‌های سنتی از خاکستر جنگ سرد و تحولات دوره گذار، دستکم در آینده قابل پیش‌بینی، غیر متحمل باشد. کسانی که بنظم مبتنی بر موازنه قدرت پسواستقلاایی یا نظام‌های قطبی خوگرفتند، ممکن است جهان آینده را آشفته بنامند اما این الزامات چنین نیست. نظامی جهانی مبتنی بر اسیاقطب شاید در حالی شکل گرفته باشد که جهان همچنان در انتظار ظهور قطب‌های جدید مانده است.

انتظارات درمورد چالش‌های جدید بین‌المللی

این تحولات بی‌سابقه جهانی، پیامدهایی ژرف برای منطقه غرب آسیا دارند؛ جایی که هم‌دولت‌ها و هم‌بازیگران غیردولتی، هم‌زمان در شکل‌گیری نظم پساقطبی نقش آفرین بوده‌اند و از سوی دیگر، بیشترین آسیب‌پذیری را در برابر این تحولات بنزیادین دارند. ایران و همسایگانش در غرب آسیا، بهتر است مدل‌های منسوخ تعاملات مبتنی بر منطق جنگ سرد را کنار بگذارد و ائتلاف‌های جدیدی مبتنی بر مسائل مشترک برای تأمین رفاه جمعی منطقه و مردم آن شکل دهند. میانجی‌گری چین میان ایران و عربستان سعودی را می‌توان هم به‌عنوان نشانه‌ای از الگوی در حال ظهور پساقطبی و وفاداری‌های سیال و هم به‌عنوان الگویی برای همکاری آینده میان ایران و جهان عرب تلقی کرد. گذار پس از جنگ سرد، به‌نظمی پساقطبی انجاده که مشخصه ساختارهای غیرمتمرکز قدرت، ائتلاف‌های سیال و اهمیت فزاینده بازیگران غیردولتی است، مفاهیم سنتی‌ای چون هم‌مویی و دو قطبی بودن دیگر قادر به توضیح دینامیک‌های در حال تحول سیاست جهانی نیستند. قدرت اکنون در لایه‌ها میان بازیگران متعددی پراکنده‌است و تصور «نظم جهانی واحد» را بی اعتبار کرده‌است.

قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی:

عدم حضور وزرا در صحن مجلس منجر به دریافت کارت زرد می‌شود



سرویس سیاسی – رئیس مجلس شورای اسلامی در پاسخ به تذکر نماینده تهران در مجلس مبنی بر عدم حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در صحن علنی، گفت: با تصویب هیات رئیسه، از این به بعد عدم حضور وزرا در صحن برای پاسخ به سولات نمایندگان به منزله دریافت کارت زرد است.

علیرضا سلیمی صحن علنی مجلس شورای اسلامی در تذکری با استناد به ماده ۱۰۰ آیین‌نامه داخلی مجلس درباره عدم حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در جلسه نظارتی روز گذشته صحن علنی مجلس، گفت: روز دوشنبه شنیده شد که برای آقای وزیر سفر پیش آمده‌است که نباید این رویه عادت شود. چرا که براساس تبصره ماده ۲۰۸ آیین‌نامه داخلی مجلس، اگر وزیر در صحن حاضر نشود، بدین معناست که این سوال وارد بوده و وزیر کارت زرد می‌گیرد. وی افزود: نباید اینگونه باب‌شود که یک روز قبل یا یک ساعت قبل از آغاز دستور جلسه، یک نفر بنامه‌ای از وزارتخانه‌ای بگوید که وزیر فلان جلسه یا فلان سفر می‌رود و مجلس ناچار شود دستور جلسه را تغییر دهد. محمداق قالیباف در پاسخ به این تذکر گفت: هفته قبل درباره این موضوع در هیأت رئیسه بحث کردیم که طبق بند یکی از زمانی که دعوت انجام شد، وزیر نمی‌تواند بگوید که من نمی‌توانم به دلایلی بیایم چرا که از قبل به وی اطلاع داده شده‌است. وی افزود: برای اطلاع وزیر باید نامه مکتوب بنویسیم، وقتی نامه مکتوب به وزیر ارسال می‌شود دیگر عدم حضور معنا ندارد. این موضوع را این هفته در هیأت رئیسه تصویب کردیم. لذا در راستای این تذکر، زین پس باید رعایت شود.

قالیباف خاطر نشان کرد: این موضوع را از این جهت گفتم که نماینده دولت و معاون پارلمانی نتوانند هماهنگی‌های لازم را انجام دهند؛ این را اگر دعو نامه ارسال شد، وزیر باید در زمان مقرر حتما در مجلس حاضر شود. اگر حضور پیدا نکرد، به منزله دریافت کارت زرد است که آقای سلیمی اشاره کردند.

از قفقاز تا کابل؛ صدای منطق در مجمع گفتگوی تهران



سرویس سیاسی – تهران بار دیگر نشان داد که گفتگو هنوز کارآمدترین ابزار در سیاست خارجی است؛ مجمع گفتگوی تهران صحنه‌ای نادر از همکاری دیپلماتیک در منطقه پر آشوب بود؛ نشست که در آن پیام مشترک صلح شنیده شد. تهران، طی دو روز نه فقط پایتخت جمهوری اسلامی ایران، که قلب تپنده دیپلماسی منطقه بود. «مجمع گفت‌وگوی تهران» (Tehran Dialogue Forum) با حضور بیش از ۲۰۰ میهمان دیپلماتیک از ۵۳ کشور، از وزرای خارجه و مقامات بلندپایه گرفته تا اندیشمندان و نمایندگان سازمان‌های بین‌المللی، صحنه‌ای بی‌بدیل از اراده جهانی برای صلح و ثبات منطقه‌ای رایه نمایش گذاشت. این نشست، که با محور «سیاست همسایگی جمهوری اسلامی ایران رهیافتی به‌دستی و اعتمادسازی» در مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه برگزار شد، گامی دیگر در راستای تداوم ابتکار دیپلماتیک ایران بود؛ ابتکاری که ابتدا در استفاده ۱۳۹۹ با سخنرانی افتتاحیه «محمدجواد ظریف»، وزیر خارجه پیشین، شکل گرفت و سپس در ۲۸ و ۲۹ خرداد ۱۴۰۱ با حضور شهید «حسین امیرعبداللهیان» به‌عنوان وزیر امور خارجه ادامه یافت. این دوره نیز، ادامه‌ای هدفمند بر مسیر گفت‌وگو، همسایگی و همکاری‌های منطقه‌ای بود.

امیدواریم مفهوم وفاق را فراتر از مرزهای ملی گسترش دهیم

در ابتدای این مجمع «سعید خطیب زاده» رئیس مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه گفت: منطقه ما بیش از هر زمان دیگری نیازمند این غلالتیت سیاسی و روایتی نواز همزیستی مسالمت‌آمیز است؛ با چنین رویکردی می‌توان آینده‌ای متفاوت را رقم زد.

باز یگاز منطقه‌ای باید معمار نظم آینده منطقه باشند

در ادامه، سیدعباس عراقچی، معاون پیشین وزیر امور خارجه و دیپلمات ارشد کشورمان، با تأکید بر ضرورت طراحی نظم منطقه‌ای از درون منطقه گفت: نباید اجازه دهیم آینده منطقه ما در اتاق‌های قدرت فکری فراموش‌های منطقه‌ای طراحی و تحمیل شود. بازیگران منطقه‌ای باید معمار نظم آینده باشند.

ایران هیچ‌گاه به دنبال ساخت سلاح هسته‌ای نبوده‌است

مجمع گفتگوی تهران گامی معنادر در راستای باز تعریف نقش ایران به‌عنوان بازیگری فعال، متوازن و مسئول در نظام منطقه‌ای بود. «مسعود پزشکیان» رئیس‌جمهور کشورمان در اولین روز این مجمع در سخنرانی صریح و شفاف اعلام کرد که ایران هیچ‌گاه به دنبال ساخت سلاح هسته‌ای نبوده و مسیر صلح‌آمیز را با قطعیت ادامه خواهد داد. پیامی که با استقبال بسیاری از حاضران مواجه شد. در ادامه این مجمع نیز پیام‌های مهمی مخابره شد. از قفقاز تا کابل، از اربیل تا دوشنبه، صدای عقالتیت شنیده شد.

«آرن گریگوریان» دبیر شورای عالی امنیت ملی ارمنستان، قاطعانه بر حفظ مرزهای رسمی تأکید کرد و «نیجیروان بارزانی» اباییانی مسیمانه اطمینان داد که اقلیم کردستان، هیچ‌گاه خاک خود را تهدید پدلی علیه ایران نداشته و نخواهد دانست.

یکی از نکات برجسته این نشست، حضور امیرخان مفتی، وزیر خارجه دولت سرپرست افغانستان بود؛ جایی که او تعهد نسبت به حق‌به‌هم‌رسانه از باب لطف، بلکه از منظر شرعی و مسئولیت‌پذیری اسلامی دانست؛ موضعی که گامی مهم برای کاهش تنش‌های مرزی تلقی شد.

اما مجمع گفت‌وگوی تهران فقط محل بیان مواضع نبوده اراده‌ای جمعی برای عبور از بحران‌های منطقه‌ای و جهانی در آن متبلور شد. وزیر خارجه عمان، بالحنی اندوهار از رنج بی‌پایان مردم فلسطین گفت و اینکه گفت‌وگو در دو متقابل جایگزین تحکم و جنگ افروزی می‌شند. شاید تاریخ چه‌ره دیگری می‌داشت.

در ادامه نیز، وزیر خارجه تاجیکستان با هشدار درباره تبعات بی‌ثباتی داخلی در کشورهای منطقه، بر ضرورت ایجاد ساز کارهای جمعی برای امنیت پایدار تأکید کرد و گفت: ما خواهان تشکیل دولت مستقل فلسطینی با پایتختی بیت‌المقدس هستیم.

«گفت‌وگو» تنها مسیر ممکن است.

پیامی که از تهران به جهان مخابره شد روشن بود: «گفت‌وگو» تنها مسیر ممکن است. در روز کاری که طنین جنگ و رقابت‌های کور، آینده خاورمیانه را تهدید می‌کند، تهران میزبان صدای عقالتیت و دیپلماسی بود. این صدا، گرچه ممکن است از تریبون‌های پرهیاهوی جهان کمتر شنیده شود اما بی تردید، پژواک آن آینده منطقه را رقم خواهد زد.

۴۴۴۲۴۹۶۹

۴۴۴۲۴۹۹۹

پرتیراژترین و با سابقه ترین نشریه جزیره کیش

گسترده ترین شبکه اطلاع رسانی داخلی منطقه آزاد کیش

۰۹۱۷۱۴۳۱۰۰۸

۰۹۱۷۹۴۲۴۰۲۲

درب های اتوماتیک Automatic Doors

اقتصاد کیش

روزنامه